



انترناسیونال

۱۳۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۲۱ آوریل ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

اول مه، روز جهانی کارگر گرامی باد!

فراخوان اول مه ۸۵

اول مه ۸۵ باید روز نشان دادن عزم و اراده کارگران و همه مردم آزاده برای بدست گرفتن سرنوشت خود باشد



خانه کارگر جمهوری اسلامی مراسم دولتی روز کارگر (۱۱ اردیبهشت) امسال را در جلوی سفارت سابق آمریکا برگزار میکند. میخواهند به زور و نیرنگ جمعیتی را جلوی خانه "شیطان بزرگ" شان بیاورند تا اینطور وانمود کنند که گویا کارگران در دعوای جاری بین جمهوری اسلامی و آمریکا، پشت سر رژیم اسلامی اند. از همین يك نمونه هم میتوان دریافت که اول مه امسال حائز چه اهمیت سیاسی ویژه ای است. سال گذشته که مضحکه صفحه ۲



یکبار دیگر حمله به زنان! قاطعانه



مراسم "خانه کارگريها": تقلای علیہ کارگران و اول مه شهلا دانشفر

حمله به زنان يك بارومتر سیاست در ایران است و این بار جمهوری اسلامی ایران، با برنامه ریزی جدید، با فضا سازی و تحریک گله های حزب الهی، قصد سازماندهی

در مقابلش می ایستیم

مینا احدی

اسلامی را فرا گرفته است و تحرك برای به زیر کشیدن این رژیم هر روز

صفحه ۳

اول مه نزدیک است و نگاهها به سوی کارگران پر خنده است. در ایران جمهوری اسلامی و پادوهایش هر سال میکوشند رنگ منحوس خود را به روز جهانی کارگر بزنند. اما هر بار از سوی کارگران به رسوایی کشیده شده اند. اول مه در ایران روزی علیه جمهوری اسلامی است. در شرایطی که بن بست سیاسی و اقتصادی سراپای رژیم



"جرعهای از هوای تازه" شناسنامه مریم نمازی

اطلاعیه پایانی پلنوم ۲۵ کمیته مرکزی

صفحه ۷

نوشتنی: آنتونی مکینتیپه منتشر شده در: نشریه بلانکت (از ایرلند)، ۳ آوریل ۲۰۰۶ مترجم: آرش سرخ

شورانگیز است! این که پس از هشتاد سال دوباره کمونیسم کارگری، در قالب کمونیسم بی تخفیف

صفحه ۴

دیگری از بازتاب فعالیت‌های مریم نمازی، این کمونیست پر شور و اکتیویست مشهور سیاسی است. دیگر تکراری شده است که از شهرت و عروج مریم نمازی به عنوان يك اکتیویست و فعال سیاسی در سطح بین‌المللی بگوئیم. و این به راستی

مقدمه مترجم مقاله‌ای که در زیر می‌آید نمونه

صفحه ۶

قدردانی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ یکبار دیگر حمله به زنان

از صحنه می‌گریختند.

حجاب، سمبل اسلام سیاسی

است و حمله به زنان بدلیل عدم رعایت حجاب در ایران، یک شاخص حساسیت اوضاع سیاسی در ایران است. امروز که تهدیدات جنگی آمریکا علیه ایران شدت و حدت گرفته، جمهوری اسلامی ایران، با حمله به زنان یکبار دیگر نشان میدهد که این دو قطب ترور و وحشت، مکمل یکدیگر بوده و چه در دوران دوستی شان با یکدیگر و چه در دوران سرشاخ شدن و یا جنگ این دو قطب با همدیگر، همواره قربانیان، مردم عادی، زنان و مردان و کودکان هستند.

برای خلاصی از این اوضاع باید بر علیه دو قطب مبارزه کرد و در اوضاع متشنج فعلی و برای یکسره کردن فوری و قطعی این اوضاع باید برای سرنگونی حکومت اسلامی در ایران عجله کرد. جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی تنها پاسخ اوضاع امروز در ایران و تنها راه پس زدن بختی است که بر سر جامعه ایران سنگینی میکند.

نه به تروریسم دولتی آمریکا، نه به جنگ و نه به حکومت تروریست اسلامی و نه به آپارتاید جنسی. اینها بخشی از شعارهای مهم جبهه سوم در مقابل این اوضاع است. آغاز حمله به ایران و یا آغاز جنگ بین دو قطب، ایران و خاورمیانه را با خطر یک سناریوی سیاه روبرو خواهد کرد.

از هم اکنون به برکت تشنج بین دو دولت تروریست، حکومت اسلامی شمشیر زنگ زده سرکوب را از رو بسته و قصد خونریزی بیشتر و تعرض وسیعتر به جان و حرمت انسانها را دارد. برای مقابله با این اوضاع، باید متحدانه و فوری اقدام کرد. برای مقابله با جنگ و خونریزی بیشتر باید هر چه زودتر حکومت اسلامی را سرنگون کرد. از همه مردم مترقی در دنیا و از جهان متمدن باید خواست که برای پایان دادن به عمر حکومت ضد زن، حکومت آپارتاید جنسی در ایران به یاری ما بشتابند. این امکان پذیر است و مترقی ترین و واقعی ترین و بهترین راه مقابله با تعرض نظامی آمریکا و ایجاد سناریوی سیاه در ایران از سوی دو قطب تروریستی است. *

حملات گسترده ای به زنان را دارد. زن ستیزی لجام گسیخته یک شاخص مهم جنبش سیاه اسلامی و حکومت اسلامی ایران است. حجاب سمبل تعرض به حرمت و انسانیت و حقوق زنان در این جنبش تروریستی است و هر جا که جریانهای باندتهای ترور اسلامی قدرت گرفته و یا قصد به قدرت رسیدن و حفظ آنرا داشته اند، با وادار کردن زنان به رعایت حجاب اسلامی، حمله به زنان را آغاز کرده و با توهین و تعرض به زنان، دستگیری و شکنجه و یا اعدام آنها، حجاب، این سمبل ارتجاع اسلامی را بر سر زنان کشیده اند.

در ایران، اما یک واقعه مهم در ابعادی اجتماعی و میلیونی اتفاق افتاده است. زنان، این سمبل ارتجاع و عقب ماندگی و پوسیدگی را به چالش طلبیده و بویژه نسل جوان در ایران، هیچگاه به حجاب اسلامی، این پرچم اسلام سیاسی، تمکین نکرده اند.

امروز در مساجد و نماز جمعه ها و یا در مجالس و در دیدارهای مقامات حکومتی، از عدم رعایت حجاب و "بی بند و باری" داد و فغان سران حکومت بلند است و اینها یکبار دیگر فریاد حمله به زنان و مقابله با این اوضاع را سر میدهند. فریادهایی که از سوی توده میلیونی زنان، به درست چندان جدی گرفته نمیشود. فریادهایی که بیش از هر چیز بیانگر استیصال حکومتی است که در این عرصه، به عیان و آشکارا شکست خورده است. زنان در ایران هیچگاه به حجاب اسلامی و اجباری تمکین نکردند و این بار نیز، با اطمینان باید گفت، هر تعرض جدید حکومت به زنان با موجی از اعتراض و نفرت در بین مردم و زنان پاسخ خواهد گرفت.

حمله به زنان امروز، البته در اوضاع سیاسی ویژه ای اتفاق می افتد. با شدت گرفتن تشنج و تنش بین دولت آمریکا و متحدین آن با جمهوری اسلامی ایران، حکومت اسلامی اوضاع را غنیمت شمرده و قصد کوبیدن میخ خود و مقابله با اعتراضات فزاینده ای را دارد که جمهوری اسلامی را در زیر منگنه خود فشار میدهد. روزی نیست که خوردن از دست مردم، فراری شده و

از صفحه ۱ فراخوان اول مه ۸۵

بمب اتم و جنگ و به تباهی کشیدن زندگی بشریت توسط تروریسم اسلام سیاسی و میلتراریسم دولت آمریکا و متحدینش، عروج طبقه کارگر در پیشاپیش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی است. طبقه کارگر ایران بی شک به دلیل اوضاع و احوال خاص ایران، وجود یک جنبش وسیع انقلابی و سرنگونی طلبانه، حضور قدرتمند کمونیسم کارگری و حزب آن، و به دلیل اینکه اکنون جمهوری اسلامی در مرکز یک بحران همه جانبه جهانی قرار دارد، میتواند نقش تاریخی در پایان دادن به این عصر سیاه ایفاء کند. اول ماه مه ۸۵ فرصت گرد آوری نیرو، طرح هرچه روشنتر مطالبات، تحکیم اتحاد صفوف کارگران برای ایفای این نقش است.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به برپایی مراسم های مستقل اول مه با شعارها و مطالباتی چون آزادی تشکل و اعتصاب، افزایش حداقل دستمزد به ۵۰۰ هزار تومان، انحلال شوراهای اسلامی و خانه کارگر، آزادی زندانیان سیاسی، محکومیت سرکوب کارگران واحد، آزادی و برابری، توقف فوری فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی، و محکومیت هرگونه تهدید نظامی و تحریم اقتصادی فرامیخواند. حزب همه مردم آزاده و بویژه زنان و جوانان را به حمایت گسترده از اول ماه مه کارگران فرامیخواند. اول ماه مه باید روز نشان دادن عزم و اراده کارگران و همه مردم آزاده برای بدست گرفتن سرنوشت خود باشد.

زنده باد اول ماه مه
مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ فروردین ۱۳۸۴، ۱۹ آوریل ۲۰۰۶

سوسیالیسم پیا خیز!
برای رفع تبعیض!

از صفحه ۱

مراسم "خانه کارگرها"

شدت بیشتری میگیرد، بحث حمله نظامی به ایران موهبتی است که رژیم میکوشد از آن استفاده کند و به بهانه آن جنبش اعتراضی کارگران و مردم را خفه کند. بویژه اکنون که مبارزات کارگری ابعاد گسترده ای بخود گرفته و تمام توجه جامعه و دنیا به طرف این مبارزات معطوف شده است، رژیم تلاش دارد تا در برابر قدرتمندی کارگران در روز اول مه روز جهانی کارگر بایستد. جمهوری اسلامی میکوشد از یکسو با دامن زدن به گرایشهای ناسیونالیستی، نیروهای ملی مذهبی را در کنار خود و در تقابل با آمریکا و غرب به خط کند و از سوی دیگر هر اعتراضی را به بهانه جنگ و تحت عنوان همصدایی با آمریکا سرکوب و عقب براند.

در همین راستا چماقداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی با هیاهو بر سر حمله نظامی آمریکا بر ایران، به برپایی اجتماعی در مقابل سفارت آمریکا در روز اول مه فراخوان داده اند و تلاش دارند تا با دامن زدن به تبلیغات ناسیونالیستی این روز را به صحنه نمایش قدرتمندی دولت در برابر دوربین های جهانی تبدیل کنند. شوراهای اسلامی و خانه کارگر سال گذشته ماموریت تبدیل اول مه به کمپین انتخاباتی رفسنجانی برای ریاست جمهوری را بر عهد داشتند. ماموریتی که مفتضحانه به شکست انجامید و امسال وظیفه برپایی

نمایش در مقابل سفارت آمریکا را بر عهد گرفته اند تا کارگران را پشتیبان رژیم و سیاست های جنگ افروزانه آن معرفی کنند. شوراهای اسلامی و خانه کارگر میخوانند با این حيله به رژیم و سیاستهای مشروعیت دهند و زمینه را برای سرکوب اعتراضات بالنده کارگران کل جامعه فراهم کنند.

این ارگانهای جاسوسی رژیم تصور میکنند که ماجرای اشغال سفارت آمریکا در بیست و دو سال پیش را، اکنون با وجود موج گسترده اعتراض در میان کارگران و کل جامعه، میتوان تکرار کرد. تصور میکنند که میشود با دامن زدن به تبلیغات ناسیونالیستی، کارگران و مردم معترض را به پشت این رژیم کشاند و صدای اعتراضشان را خفه کرد.

یک سیاست رایج در بسیاری از کشورها در اول مه به خیابان آوردن کارگران با هیت ملی و راه حل ملی برای مسائشان و در بهترین حالت تبدیل این روز به روز بیان مطالبات اقتصادی و سیاسی در محدوده هر کشور است. باید در مقابل این تشبثات، با کیفرخواست خود علیه سرمایه داری و با همبستگی بین المللی کارگری خصلت طبقاتی و انترناسیونالیستی این روز را برجسته کرد. باید علیه تبلیغات ناسیونالیستی خانه کارگر جمهوری اسلامی و مزدوران خانه کارگر ایستاد و با قدرتمندی با شکوه خود

در این روز پاسخ دندان شکنی به فراخوان آنان داد و چشم دنیا را به قدرت متحد خود خیره کرد. باید در اول مه با برپایی تجمعات مستقل خود و با راهپیمایی هایمان در مقابل سیاستهای دولت و برپایی مراسم دولتی و به خط شدن صف ضد انقلاب در مقابل ما کارگران و اعتراضات به حق کل جامعه بایستیم.

روز اول مه باید اجتماعات خانه کارگر و شوراهای اسلامی، در مقابل سفارت آمریکا و در هر جای دیگر با بایکوت وسیع ما کارگران روبرو شود. باید انزوی رژیم و پادوهایش را جلوی چشم همه بگذاریم. نباید بگذاریم که با استفاده از نیروی ما، رژیم وارگانهای جاسوسی آن شوراهای اسلامی و خانه کارگر در برابر رسانه های بین المللی نمایش قدرت دهند و با این کار مبارزات ما را هدف قرار دهند. روز اول مه باید کاری کنیم که مراسم دولتی ای که از سوی شوراهای اسلامی و خانه کارگر فراخوانده شده اند، در انزوا بمانند و کاری کنیم که انزوا و استیصال آنها را دنیا به چشم خود ببیند.

از هم اکنون بر سر این موضوع در مجامع عمومی مان صحبت کنیم و در مقابل سیاست رژیم و چماقداران جمهوری اسلامی در به انحراف کشاندن اعتراضات گسترده ما کارگران در اول مه به صف شویم. در مجامع عمومی مان از خطیر بودن این اوضاع و اینکه چگونه چشم دنیا به ما خیره شده است سخن

بگویم و خود را برای برپایی يك اول مه با شکوه و يك قدرتمندی بزرگ در این روز آماده کنیم.

اول مه روز همبستگی بین المللی کارگری روز ما کارگران است. با برپایی با شکوه مراسم در این روز به دنیا اعلام کنیم که تنها نیرویی که میتواند در مقابل قلدرومنشی آمریکا و نظم نوین آن بایستد ما کارگران و صف متحد بشریت متمدن است. با قدرتمندی بزرگمان در روز اول مه نشان دهیم که ما کارگران نخواهیم گذاشت قطب های تروریست جهانی آمریکا و متحدینش از یکسو و جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی از سوی دیگر، از بالای سر ما سرنوشت جامعه را رقم بزنند و جامعه را به قهرا ببرند.

برای به شکست کشاندن جنگ افروزی های جمهوری اسلامی و حکومت آمریکا دنیا را به حمایت و پشتیبانی از مبارزاتمان فرا بخوانیم. جمهوری اسلامی يك عامل مهم ترور و ناامنی، نه تنها در ایران بلکه در کل منطقه است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. باید کاری کنیم که جمهوری اسلامی در تمام دنیا به انزوا کشیده شود و از تمامی مراجع بین المللی اخراج گردد.

اول مه روز اعتراض، روز تظاهرات و تجمع و روز نه به محرومیت و بی حقوقی است. اول مه، روز اعتراض طبقه کارگر علیه استثمار و فقر و تبعیض و بیحقوقی

و جنگ و تروریسم و بیخانمانی است. اول مه روز اعتراض و روز کیفرخواست کارگران جهان علیه نظام ضد انسانی سرمایه است. در این روز وسیعا به خیابانها بیاییم و با قطعنامه هایمان، با شعارهایمان و با اعلام خواستههایمان، صدای اعتراضمان را علیه توحش سرمایه داری بلند کنیم. اعلام کنیم که زندگی انسانی حق ما و فرزندان و خانواده های ما است. اعلام کنیم که دیگر به یکه تازی صاحبان سرمایه و دولت و سرکوب تن نمی دهیم.

در اول مه با شعارهای آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو و تمامی زندانیان سیاسی، منع هر گونه تعقیب و تهدید فعالین و رهبران مبارزات کارگری، حق تشکل، حق اعتصاب، خواست افزایش دستمزدها، حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان، انحلال فوری شوراهای اسلامی، سانسور ممنوع، و با شعار آزادی برابری، مرگ بر سرمایه داری به خیابانها بیاییم. حمایت وسیع خود را از مبارزات کارگران شرکت واحد و مبارزات تمامی بخش های جامعه اعلام کنیم و این روز را گرامی بداریم.

اول مه باید حکومت اسلامی و کل جهان پیام ما کارگران را بشنوند. حکومتی که در پاسخگویی به بدبختی ترین خواستههای انسانی ما کارگران و مردم عاجز است و در برابر ما ایستاده است باید به زیر کشیده شود. *

به تحسن دانشجویان دانشگاه رجایی پیوندید



مطابق اخباری که به سازمان جوانان کمونیست رسیده، با مرگ دانشجوی دانشگاه رجایی که بر اثر ضربه مغزی و کمبود امکانات پزشکی اتفاق افتاد، فضای اعتراضی در دانشگاه رجایی بسیار بالا گرفته است. نیروهای سرکوب گر به شدت در تلاش برای شکستن تحسن دانشجویان هستند. بنا به اخبار رسیده به سازمان جوانان کمونیست تعداد زیادی از نیروهای حکومتی در بین دانشجویان هستند و برای پایان دادن به تحسن به آنها فشار می آورند.

سازمان جوانان کمونیست به دانشجویان دانشگاه رجایی درود می فرستد و از آنان می خواهد تا رسیدن به مطالبات خود به مبارزه

متحد و يك پارچه خود ادامه دهند و همچنین از همه دانشجویان می خواهد به این مبارزه پیوندند و دانشجویان رجایی را با تمام قوا همراهی کنند. ما دانشجویان سراسر ایران را فرامیخوانیم با صدور اطلاعاتیه و اعزام نماینده به همبستگی با دانشجویان رجایی برخیزند. همچنین همه کارگران و همه مردم آزاده را فرا میخوانیم از دانشجویان دانشگاه رجایی که ۱۰ روز است در تحسن هستند فعالانه حمایت کنند.

زنده باد هستگی با دانشجویان
دانشگاه رجایی
مرگ بر جمهوری اسلامی
سازمان جوانان کمونیست

از صفحه ۱ "جرعه ای از هوای تازه"

منصور حکمت بتواند شانس برای عرضه خود به جهانیان پیدا کند بی نظیر است و امروز حزب پرافتخار ما، حزب کمونیست کارگری ایران، در صف اول این ماجرا است و چشم انداز "یک دنیای بهتر" را جلوی چشم هزاران و میلیون‌ها مردم قرار داده است.

بهتر است چند کلام هم در مورد نشریه "بلانکت" و نویسنده‌ی این مقاله نیز صحبت کنیم. اول از همه اگر انگلیسی بدانید حتما متوجه شدید که "بلانکت" در انگلیسی به معنای "ملافه" است و شاید تعجب کردید که چطور این نشریه ایرلندی چنین اسمی دارد. واقعیت اینست که "ملافه" در فرهنگ سیاسی ایرلند یادآور معنای خاصی است.

این اشاره‌ای به زندانیان ارتش جمهوریخواه ایرلند است که در اواخر دهه هفتاد در زندان بریتانیا حاضر نبودند زیر بار دولت بروند و یونیفرم زندانی معمولی را بپوشند (مرسوم است که زندانیان سیاسی یا اسرای جنگی یونیفرم زندان را نمی‌پوشند تا فرقی از "مجرمان معمولی" تمیز داده شود). آن‌ها برای اعتراض، عملی که به "اعتراض ملافه‌ای" معروف است را سازمان داده و از ملافه‌های زندان برای خود لباسهای جدیدی دوختند. این اولین اعتراض از سری اعتراض‌هایی بود که به اعتصاب غذای سال ۱۹۸۱ انجامید و در آن نه مبارز ایرلندی در دستان نخست‌وزیر کثیف و قاتل بریتانیا، مارگارت تاچر، پری شدند. معروفترین آن‌ها بابی ساندز بود که پس از ۶۶ روز اعتصاب غذا درگذشت و نامش به تاریخ پیوست.

او چه زیبا بود عمل انقلابیون در ایران که در روزهای اول انقلاب نام خیابان وینستون چرچیل، یعنی خیابانی که سفارت بریتانیا در آن واقع شده، را به خیابان بابی ساندز تغییر دادند.

خود نویسنده‌ی مقاله، آنتونی مکینتیره، نیز مبارزی بزرگ از ارتش جمهوریخواه ایرلند است که ۱۸ سال در زندان بوده و یار زندانیان قهرمان ایرلندی و بابی ساندز است. این که مریم نمازی و در واقع کمونیسم کارگری او برای کسی مثل مکینتیره "جرعه‌ای از هوای تازه" بوده است خود بیش از هر چیز نشان

دهنده‌ی رشد و پیشروی جهانی جنبش ماست. ما در ایران پای قدرت خواهیم رفت و کمونیسمان را در ابعادی صدهزار برابر مطرح خواهیم کرد. بگذار میلیون‌ها نفر از مردم جهان به این "جرعه هوای تازه" دست پیدا کنند!

شناسنامه مریم نمازی

نوشته‌ی: آنتونی مکینتیره
منتشر شده در
نشریه بلانکت،
۳ آوریل ۲۰۰۶

نشریه بلانکت زندگی نامه ۱۲ امضا کننده بیانیه مقابله با توتالیتیرسم نوین را ارائه خواهد کرد. به همراه هر زندگی نامه یکی از کاریکاتورهای دانمارکی نیز به چاپ خواهد رسید.

این چهارمین مقاله از این مجموعه است.

"وضعیت زندگی زنان در جوامع اسلامزده و تحت قوانین اسلامی اوج بی‌عدالتی قرن بیست و یکم است. زنان و دختران پوشانده شده با برقه و حجاب، گردن زدن، سنگسار، شلاق، تجاوز جنسی به کودکان به نام ازدواج و آپارتاید جنسی تنها وحشی‌ترین و واضح‌ترین جنبه‌های بی‌حقوقی زنان و وضعیت درجه‌ی سه آن‌ها در خاورمیانه است."

مریم نمازی

مریم نمازی تصویر کلیشهای که به محض تلاش برای تجسم کردن مارکسیسم در ذهنمان پدید می‌آید را پشت سر می‌گذارد. او مارکسیستی متعهد است و میلیون‌ها کیلومتر از ولفی اسمیت‌های جیغ جیغو (و رفقای که کاغذ توالت هفتگی‌شان را به سوی کسانی پرتاب می‌کنند که آن قدر بدشانس بوده‌اند که در فلان مراسم به تورشان خورده‌اند)، دور است. مارکسیسم به ضرب طرفداری امثال ولفی‌ها از آن به جوکی مبدل می‌شود، اما همان مارکسیسم در دست کسی مثل مریم نمازی که به

دنیال مبارزه و نه منازعه است جان تازه‌ای می‌گیرد. این بار شاهان می‌توانند بگویند که کارل مارکس بنیان‌گذار عقاید است و نه بنیان‌گذار احمق‌ها.

تعهد او به مارکسیسم که حقوق بشر را بیش از فروختن روزنامه ارج می‌گذارد از او مایمی دردسری برای آن کسانی شده است که "راست در تفکر و چپ در ظاهر" هستند و نیک کوهن در نشریه آبزور مدعی شده بود که آن‌ها تنها به این دلیل از او روی برگردانده‌اند که می‌دانند او همان اندازه که علیه ستم‌گران است علیه کسانی که در مقابل ستم کوتاه می‌آیند نیز هست.

مریم نمازی در تهران به دنیا آمد و در ۱۹۸۰ پس از خلع شاه قاتل و جانشینی آن با یک رژیم تئوکراتیک، ایران را ترک گفت. او پیش از تحصیلات دانشگاهی در آمریکا و هند و بریتانیا زندگی کرده است. او پس از پایان تحصیلات به سودان رفت تا با پناهنده‌های اتیوپیایی کار کند. در آن‌جا بود که دولتی اسلامی سرکار آمد و به زودی او را به جرم تأسیس یک سازمان حقوق بشری تهدید کردند.

مدت کوتاهی پس از این که او سودان را ترک گفت و به آمریکا بازگشت سمت مدیر اجرایی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی را بر عهده گرفت. این فدراسیون در نزدیک بیست کشور شعبه دارد. او در ضمن عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن است و در آنجا علیه سنگسار، حجاب کودکان، قوانین شریعه، اعدام، آپارتاید جنسی و تجاوز به حقوق زن مبارزه می‌کند.

او مفسری شناخته شده است که بیشتر انرژی‌اش را به دفاع از حقوق زنان اختصاص داده است. او مجری برنامه‌های هفتگی در تلویزیون انترناسیونال (واقع در لندن) است که طبق گفته‌ی کیت پورتشوس وود (مدیر اجرایی انجمن ملی سکولار در بریتانیا) "از دیدگاهی پیشرو و چپ به مسائل خاورمیانه نگاه می‌کند". او همچنین مدیر کمیته‌ی روابط بین‌الملل حزب کمونیست کارگری ایران است و در عفو بین‌الملل نیز کار کرده است.

او در مورد یکی از بزرگ‌ترین مسائل سیاسی زمان ما یعنی جنگ در عراق، اشغال این کشور به

رهبری آمریکا را وحشیانه می‌داند. با بیان این‌که یک قطب ترور در جهان امروز، اسلام سیاسی است او مدعی است که قطب دیگر "تروریسم دولتی آمریکاست" که نمونه‌ی آن را امروز با نگاه به عراق می‌بینیم. او بار سنگینی از تقصیر را به پای غرب می‌نویسد که در زمان جنگ سرد از اسلام سیاسی به عنوان یک آلترناتیو استفاده می‌کرد. اسلام سیاسی "هیولایی است که توسط دولت‌های غربی خلق شده است" و پس از ۱۱ سپتامبر "از کنترل خارج شده است و حالا غرب برای محدود کردن آن وارد عمل شده است". اما او اصرار می‌کند که دولت‌های غربی تنها جنبه‌هایی از این جنبش را محدود می‌کنند - آن‌هایی که خارج از محدوده کار می‌کنند. آنان "مشکلی برای این‌که این جنبش را به حال خودش و به رهبری منطقه بگذارند تا حکومت ترور خود را ادامه دهد ندارند."

او که گزارشگر و مفسر پرکاری است معمولاً از روز جهانی زن برای پلاتفرمی جهت تأکید بر بی‌عدالتی‌هایی که زنان در دست تئوکرات‌ها به آن دچار هستند استفاده می‌کند. در مراسم امسال او اظهار داشت:

"به مناسبت روز جهانی زن، یاد خاتون 23 ساله که به جرم "بی‌آبرو" کردن خانواده (به جرم طلاق گرفتن از مردی که در شانزده سالگی به زور با او ازدواج کرده بود، به جرم بی‌حجابی و به جرم رابطه با مردان آلمانی) در آلمان و توسط برادرانش به قتل رسید را گرامی می‌داریم. مرگ خاتون برای ما منزجر کننده است نه چون موردی تراژیک و کمیاب است بلکه به این علت که موردی آشنا است. میلیون‌ها نفر همانند او زیر آپارتاید جنسی زندگی می‌کنند، زیر حجاب می‌روند، دهانشان را می‌بندند، محدودشان می‌کنند، آتش‌شان می‌زنند، تا سر حد مرگ کتکشان می‌زنند، دارشان می‌زنند، گردشان را قطع می‌کنند، سنگسارشان می‌کنند.... میلیون‌ها نفر مانند او نمی‌پایزند و مقاومت می‌کنند و خواستار زندگی در شان انسانیت قرن بیست و یکم هستند. میلیون‌ها نفر مانند او خواستار زندگی به انتخاب خود هستند."

وقتی يك قاضی ایرانی شخصا

خود طناب دار را به جرم داشتن سکس به گردن يك دختر 16 ساله انداخت، نمازی اعتراضات جهانی را سازمان داد. او در تمام این مدت ثابت قدم و استوار به جدل با "توجیه کنندگان اسلام" که بعضاً می‌خواستند با ادعای نگاه "فمینیستی اسلامی" از جدل با تئوکرات‌ها پرهیز کنند، پرداخت. او این تعبیر را این‌گونه توصیف می‌کند:

"... این توهینی به شعور ماست و نباید جدی گرفته شود. اسلام بیش از آن غارت کرده، بیش از آن زنان را به قتل رسانده و بیش از آن کشتار دسته جمعی مرتکب شده است که بتوانیم آن را ندیده بگیریم، بیخشم، تفسیری جدید از آن ارائه دهیم یا با چنان دفاعیات سستی ماست مالی‌اش کنیم، نمی‌توان زن‌ستیزی را به صورت طرفداری از زنان تعبیر کرد همانطور که نمی‌توان فاشیسم، صهیونیسم و آپارتاید نژادی را به صورت طرفداری از انسان‌ها تعبیر کرد."

موضع او در مورد نسبیت فرهنگی نیز به همین اندازه سازش ناپذیر است و او این پدیده را "فاشیسم دوری ما" می‌داند.

"... این تحمل و احترام برای باصطلاح عقاید و باورهای اقلیت‌ها را به جای احترام برای انسان‌ها تبلیغ می‌کند. انسان‌ها شایسته‌ی بالاترین احترام هستند اما تمام عقاید و باورها شایسته‌ی احترام و تحمل نیستند. بعضی‌ها به فاشیسم، برتری نژاد سفید و دست پایین بودن زن اعتقاد دارند. آیا باید به آن‌ها احترام گذاشت؟"

او با یادآوری بعضی اتفاقات و امور، ابعاد شنیع نسبیت فرهنگی در کنار ریاکاری دول غربی به خاطر منافعشان را افشا می‌کند. در آلمان دادگاهی يك قاتل اسلامی که همسرش را کشته بود با ارفاق مواجه کرد زیرا که او بر اساس فرهنگ و مذهبش عمل می‌کرده است. در هلند نسبیت فرهنگی به عنوان بهانه‌ای برای دفاع از اخراج اجباری پناهجویان عمل می‌کند. شرایط زندان‌های ایران با چنان شاخص‌های نسبی "نسبت به استانداردهای جهان سوم

از صفحه ۴ "جرعه ای از هوای تازه"

راضی کننداند."

"نسبیت فرهنگی در خدمت/این جنایات است و توحش را قانونی می‌کند و از آن حمایت می‌کند. می‌گویند که حقوق مردم به ملیتشان، مذهبشان و فرهنگشان بستگی دارد. می‌گویند که حقوق انسانی کسی که در ایران، عراق یا افغانستان به دنیا آمده با کسی که در ایالات متحده، کانادا یا سوئد متولد شده متفاوت است. طرفداران نسبیت فرهنگی می‌گویند که فرهنگ و مذهب مردم هرچقدر پست باشد باید مورد احترام قرار گیرد. این بچی پوچ است و مشوق احترام به وحشیگری است."

او آن دسته از طرفداران نسبیت فرهنگی که با بیان این که حقوق جهان‌شمول انسانی مفهومی غربی است در مقابل ظلم و ستم کوتاه می‌آیند را به استهزا می‌گیرد: "چطور وقتی که صحبت از استفاده از تلفن یا ماشین است ملاها نمی‌گویند این‌ها غربی هستند و با جامعه‌ی اسلامی هماهنگ نیستند؟ چطور وقتی صحبت استعمار بهتر طبقه‌ی کارگر و سود آوری است دستاوردهای تکنولوژیک جهان‌شمول هستند؟ اما وقتی صحبت از حقوق جهان‌شمول انسانی است این‌ها غربی شمرده می‌شوند؟"

او به عنوان یک سکولاریست موضعی که تسلیمه نسری در مقابل مذهب گرفته است را تکمیل می‌کند و می‌گوید که مشکل خود اسلام است و نه کسانی که بنیادگراها نامیده می‌شوند.

"توجیه کنندگان اسلام می‌گویند که وضعیت زن در ایران و کشورهای اسلام زده گمراه کننده است. می‌گویند قوانین و مقرراتی که در خاورمیانه اجرا می‌شود وفادار به موازین واقعی اسلام نیست. می‌گویند که باید اسلام را از عمل به اسلام در دولت‌ها و جنبش‌ها مجزا کنیم. با این حال در واقع وحشی‌گری و خشونت‌تی که علیه زنان و دختران اعمال می‌شود چیزی به جز خود اسلام نیست."

نمازی در ضمن به تلاش‌های

اسلام برای محدود کردن حقوق زنان در جوامع غربی توجه دارد و می‌گوید که زنانی که از رژیم‌های تنوکرآتیک گریخته‌اند باید در غرب از همان قوانینی که از اول دقیقاً به خاطر همان پناهجوی سیاسی شده‌اند حفاظت شوند. او موضع خود را این‌گونه خلاصه می‌کند: "کسانی که از اسلام سیاسی فرار میکنند باید به عنوان پناهنده پذیرفته شوند. همین و بس، نقطه سر خط."

"...این‌جا اسلام‌بیست‌ها معمولاً متملن‌تر هستند. آنان نمی‌توانند مثل ایران امثال عاطفه رجبی ۱۶ ساله را بخاطر "اعمال منافی عفت" دار بزنند و مثل افغانستان امثال امینه را به خاطر زنا سنگسار کنند یا مثل بصره پزشکان را به خاطر نگهداری از بیماران زن کتک بزنند. به جای آن، اینها خواستار "حق" حجاب برای زنان و کودکان در فرانسه می‌شوند در حالی که همان حجاب در خاورمیانه با به زور اسید پاشیدن به صورت کسانی که اطاعت نکنند، تحمیل می‌شود. در بریتانیا آن‌ها بر علیه هر کسی که علیه اسلام و جنبش سیاسی‌اش صحبت کند فریاد راسیسم و اسلاموفوبیا سر می‌دهند در حالی که در ایران و امثال آنها "مرتدان" و "کافران" را از درخت و جرتقیل دار می‌زنند. در بریتانیا آن‌ها خواستار دستگیری کسانی که "تنفر مذهبی برمی‌انگیزند" می‌شوند در حالی که این خود آن‌ها هستند که همه‌جا نفرت و خشونت را بیش از حد تصور تبلیغ می‌کنند. در اروپا آن‌ها خواستار تحمل و احترام برای باورهاشان می‌شوند در حالی که همان‌ها هستند که فتوا و تهدید مرگ را علیه هر کسی که نامحترم و غیرقابل تحمل می‌دانند صادر می‌کنند."

دیدگاه‌های او در مورد راسیسم به قلب آنتی راسیسم قلبی می‌زند که قسمت‌هایی از چپ نیز با آن سر و سری دارد و در واقع چیزی بیش از تلاش برای ساختن سپری برای تنوکرآت‌ها و زن‌ستیزان نیست. او معتقد است که بسیاری از چپ‌ها

جنبش اسلام سیاسی را توجیه می‌کنند و تلاش می‌کنند تا هر نقدی به رژیم‌های تنوکرآتیک را با برچسب "راسیسم" یا "اسلاموفوبیا" پاسخ دهند (همانند همان کاری که بعضی‌ها بدون موفقیت چندانی در ایرلند انجام می‌دهند). "نقد اسلام راسیسم نیست... نمی‌توان با یک عقیده و باور راسیست نامیده شد. راسیسم ارفاق، تحریم، محدود کردن یا ترجیح بر اساس نژاد، رنگ، نسب، یا منشا ملی و قومی افراد و انسان‌هاست... نمی‌توان کیفیات انسانی را به نظامی فکری نسبت داد تا هر مخالفت و نقدی را با برچسب راسیست ساکت کرد."

دیدگاه‌های مارکسیستی او بعضی از چپ‌ها که می‌گویند افشای باورهای ارتجاعی نیز راسیسم است را حسابی به تکاپو انداخته. او پاسخ را در جیب دارد:

"مخالفت با تجاوز به دختر نه ساله‌ای که به زور ازدواج کرده است راسیسم نیست... مخالفت با تجاوز جنسی به یک کودک حتی اگر دادگاه جمهوری اسلامی ایران بگوید که پدر مجبور به تجاوز بوده زیرا همسرش او را راضی نمی‌کرده راسیسم نیست - همان‌طور که اگر کسی با آنتی سمیتیسم مخالف باشد صهیونیست نیست."

او سوال می‌کند که چطور محکوم کردن "اسلام سیاسی قبیح" که مجازات اعدام را برای زنانی که "جرم" شان مورد تجاوز واقع شدن بوده صادر می‌کند و به عنوان بیان علت تجاوز جنسی به کودک، تقصیر را به گردن مادرانی می‌اندازد که همسرانشان را راضی نکرده‌اند، راسیستی است؟

"نقد باورها راسیسم نیست. آیا محکوم کردن فاشیسم، ناسیونالیسم، کاپیتالیسم، سکسیسم و مذهب راسیسم است؟ آیا کسی که فاشیسم، ناسیونالیسم یا راسیسم را نقد می‌کند دارد تجاوز به فاشیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و راسیست‌ها را تبلیغ می‌کند؟ این داد و بی‌دادهای رقت‌آور مرتجعانی است که برای ساکت کردن مدافعان حقوق زن و ترساندن آن‌ها و کشاندنشان به عدم فعالیت و تسلیم

تلاش می‌کنند."

او با به خدمت گرفتن استراتژی برهان واژگونه، برچسب راسیست را به محکمی به همان کسانی می‌چسباند که هر بار کسی علیه تنوکرآت‌ها از حقوق زنان دفاع می‌کند فریاد "راسیسم" شان بلند می‌شود. "زدن برچسب راسیست به فعالان حقوق زن تمهیدی نابخرده‌انه برای توجیه وضعیت زنان تحت اسلام و اسلام سیاسی و جلوگیری از آزادی‌ها و حقوق جهان‌شمول زنان و مردمی است که در خاورمیانه و ایران زندگی می‌کنند."

او به عنوان یک آنتی راسیست مصمم اعلام می‌کند که مردم خاورمیانه هم درست مثل مردم اروپا حق استانداردهای جهان‌شمول را دارند. و کسانی که این را تایید نکنند:

"... آنان این‌گونه می‌گویند زیرا می‌خواهند اسلام را سرپا نگاه دارند. آنان می‌خواهند توجیه‌اش کنند. برایش بهانه بترانند. آنان منفعتی در دفاع از مذهب و اسلام سیاسی دارند و یا در بهترین حالت فکر می‌کنند که زنان در ایران و خاورمیانه شبانه‌سازهایی هستند که در واقع از جداسازی، حجاب، سنگسار و تازیانه لذت می‌برند."

او با همان شور آنتی راسیستی کسانی که خواستار معذرت‌خواهی - از سوی کسانی که کاریکاتورهای آنتی تنوکرآتیک دانمارکی را منتشر کرده‌اند - هستند را رد می‌کند و در مقابل به تفکر فاشیستی می‌گوید: "در دفاع از آزادی بیان، سکولاریسم و ارزش‌های قرن بیست و یکم، من هم این کاریکاتورها را دوباره چاپ می‌کنم... فراخوان من به همه انجام همین کار است." او بیان می‌کند که استهزا شکلی از نقد، مقاومت و شکلی جدی از واکنش مخالفت‌آمیز است. او هم متوجه این پارادوکس هست و همان‌جور که اسلاوج زیک در نیویورک تایمز گفته بود تنها متحدان واقعی "مسلمان‌ها" آنانی نیستند که ناگهان کاریکاتورها را چاپ کردند بلکه آنانی هستند که کاریکاتورها را در دفاع از آرمان آزادی بیان دوباره چاپ

کردند.

"دوست دارم اسلام‌بیست‌هایی که بهشان "توهین" شده است - از جمهوری اسلامی ایران تا جهاد اسلامی و حکومت سعودی - معذرت خواهی کنند! البته نه برای وردهای مذهبی و خرافات قرون وسطایی و عقب‌مانده‌شان، بلکه برای این عقاید به شکل دولت‌ها، قوانین اسلامی و جنبش اسلامی سیاسی. اگر هر یک از آن‌ها تصمیم گرفت که برای قتل عام انسان‌های بی‌شمار در ایران و خاورمیانه، و جلبید در اروپا، برای حجاب و آپارتاید جنسی، برای سنگسار، قطع اندام، گردن زنی، تروریسم اسلامی و برای حمله‌ی وحشیانه‌ی اخیر به کارگران اتوبوس تهران و امثالهم معذرت‌خواهی کند، کافی است که مستقیماً به من ایمیل بزنند!"

مریم نمازی مثل جرعه‌ای از هوای تازه برای آنانی است که از مارکسیسم در چهره‌ی فرقه‌ها و سکت‌هایی که چشم اندازهای ارتجاعی‌شان را پشت پرچم‌های کوچک فرم‌زایم می‌کنند، نا امید شده‌اند. مارکسیستی حقیقی و وفادار به راهی جهان‌شمول انسان که پیشروی را نه با تعداد نشریه‌های فروخته شده که با تعداد جان‌های نجات داده شده اندازه‌گیری می‌کند و به نحوی برای ستم‌گران مایه‌ی عذاب است که برای جمع‌های سکناریستی اردک‌های "کوکا کوک" کن غیر قابل تصور است.

جای او در میدان مبارزه است و با ارادی او، همین‌جا خواهد ماند، نه میان روزنامه فروشان جمع‌های کوکا کوک!*

**زنده باد
اول مه
روز جهانی
کارگران**

غرب و دنیای اسلامی فاکتها و پیش داورها

مینا احدی

در سمپوزیوم دو روزه در شهر وین
۴ و ۵ ماه مه

خواهد کرد. پانلیست های دیگر عبارتند از اوتو اشتاین باخ رئیس مرکز شرق شناسی آلمان، عمران راوی، توماس شوارتز ژورنالیست و گرداننده این بحث مجری معروف تلویزیون سراسری اتریش فرانستس کوسلر خواهد بود.

از همگان دعوت میکنیم در این کنفرانس حضور بهم رسانند و نقطه نظرات خود را در مورد مباحثات این کنفرانس ارائه دهند. بهمراه این اطلاعیه متن آلمانی دعوت نامه را برای اطلاع عموم چاپ میکنیم.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
۶ آوریل ۲۰۰۶

به دعوت چندین سازمان و نهاد بین المللی و اطریشی، شهر وین در روزهای ۴ و ۵ ماه مه میزبان کنفرانسی خواهد بود که در آن، سخنرانان زیادی از اتریش و آلمان و دیگر کشورها، در آنجا به بحث و تبادل نظر خواهند پرداخت. تیتتر اصلی این سمپوزیوم از سوی فراخوان دهندگان چنین اعلام شده است: غرب و دنیای اسلامی - فاکتها و پیش داورها از جمله سخنرانان این کنفرانس دو روزه، مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار است که در روز ۵ ماه مه در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر در یک پانل صحبت

ده نفر در زندان اوین اعدام شدند!

از اعدام ده نفر در زندان اوین، اعلام میکند که به این جنایات در سطح بین المللی و در ایران اعتراض کرده و همگان را به ابراز نفرت و انزجار از این جنایات غیر قابل تصور حکومت اسلامی فرا میخواند. باید متحدهانه و قدرتمند در سراسر جهان بر علیه جنایات حکومت اسلامی اعتراض کرد.

به احکام اعدام در ایران اعتراض کنید!

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۰ آوریل ۲۰۰۶

عفو خانواده های مقتولین، ظاهرا از اعدام نجات یافته اند. و ده نفر به دست جانبیان حکومت در همان محوطه زندان اعدام شده اند.

این يك فاجعه غیر قابل تصور و در عین حال يك تعرض بیشمردانه حکومت اسلامی بر علیه مردم در ایران است.

جمهوری اسلامی ایران با این جنایات قصد تعرض به جنبش های اعتراضی مردم و قصد ایجاد رعب و وحشت و مقابله با جنبش عظیم اعتراضی بر علیه اعدام را دارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام، ضمن ابراز خشم و نفرت شدید خود

چهارشنبه ۱۹ آپریل، روز خونین اجرای احکام اعدام بر علیه ده نفر در زندان اوین بود.

حکومت جنایت اسلامی که میداند با اعلام قبلی احکام اعدام، موجی از اعتراض و ابراز نفرت در ایران و در دنیا به راه می افتد، بدون اعلام قبلی، یکباره ده نفر را اعدام کرد.

جرم این افراد همگی قتل اعدام شده و تا کنون اسامی آنها نیز به بیرون از زندان درز نکرده است. فقط رسانه های حکومت از قصد اعدام ۱۲ نفر در این روز در زندان اوین صحبت کرده اند که دو نفر آنها با

بندهای تکمیلی

بر طرح آرایش ارگانهای رهبری حزب مصوب پلنوم ۵

دبیران، هیات دائر و هیات هماهنگی با رای گیری اتخاذ میشود. کلیه تصمیمات مصوب باید به تایید لیدر برسد. تصمیم به اینکه کدام مسائل احتیاج به رای گیری دارد، به تقاضای یکی از حاضرین و موافقت اکثریت حاضرین، در خود هر جلسه اتخاذ میشود. *

هیات دائر و هماهنگی ریاست هیات دبیران را نیز بعهده دارد.
۲- هیات دائر و هماهنگی برای بحث و تصمیم گیری برای پیشبرد دیگر وظایف خود (طبق لیست وظایف مندرج در طرح آرایش بالا مصوب پلنوم ۲۴) جلسات ویژه خود را تشکیل میدهند.
۳- تصمیم گیریها در هیات

۱- جمع مشترک هیات دائر و هماهنگی، هیات دبیران نامیده میشود. مباحث مربوط به طرحها و نقشه عملهای سیاسی (پلاتفرم کارکمیته ها و ارگانهای حزبی، طرح کمپینهای حزبی، بیانیه های حزبی، پلاتفرم کار سازمانها و کمپینهای جانبی و ...) در جلسه هیات دبیران مورد بحث قرار میگیرد. رئیس

قدردانی از رفقا و ارگانهای حزبی در رابطه با مبارزه کارگران شرکت واحد مصوب پلنوم ۵

کارگران شرکت واحد و بویژه رفقا شهلا دانشفر، اصغر کریمی، علی جوادی و بهرام سروش بخاطر نقش فعال و برجسته شان در این مبارزه عمیقاً قدردانی میکنند. *

حزب در جریان مبارزه کارگران شرکت واحد نقش موثر و چشمگیری ایفا کرد که بدون فعالیت فشرده و هماهنگ بسیاری از رفقا و ارگانهای حزبی امکان پذیر نبود. پلنوم از همه رفقای و ارگانهای درگیر در مبارزه

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه پایانی پلنوم بیست و پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

پلنوم ۲۵ کمیته مرکز حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۶ و ۱۷ آوریل ۲۰۰۶ (۲۷ و ۲۸ فروردین ۸۵) برگزار شد. این پلنوم یک نشست وسیع بود که در آن علاوه بر اعضا و مشاورین کمیته مرکزی، تعدادی از کارهای حزب نیز بعنوان ناظر شرکت داشتند.

دستور جلسه پلنوم عبارت بود از گزارشهای دبیر کمیته مرکزی، رئیس دفتر سیاسی و رئیس هیات دبیران، بیانیه در مورد کشمکش میان آمریکا و متحدینش با جمهوری اسلامی، طرح قطعنامه در مورد تحولات جنبش کارگری و ویژگیهای نسل جدید رهبران عملی، چند قرار تشکیلاتی و انتخابات.

در مبحث گزارشات نقش ویژه و خطیر حزب در شرایط حاضر در مقابله با دو قطب تروریستی در سطح جهانی و در رابطه با جنبش سرنگونی و جنبش کارگری در ایران بخصوص پس از مبارزه کارگران شرکت واحد مورد بحث قرار گرفت و بر ضرورت ظاهر شدن حزب بعنوان نماینده مردم ایران و جنبش انقلابی آنان در سطح جهانی و فراخواندن جهانیان به حمایت از جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران بعنوان راه مقابله انسانی و متمدنانه با میلیتاریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی تاکید شد. این بحث و بررسی در مبحث کشمکش میان دولت آمریکا و متحدینش با جمهوری اسلامی که اولین دستور بعد از گزارشات بود ادامه یافت. پلنوم بیانیه ای که در این مورد

پیشنهاد شده بود را در کلیات به تصویب رساند و به دبیر کمیته مرکزی اختیار داد که با توجه به مباحث پلنوم اصلاحات نهائی را در بیانیه وارد کند.

یک دستور مهم دیگر پلنوم بررسی طرح کمپین مالی علنی حزب بود. پلنوم تصویب کرد که حزب یک کمپین مالی علنی با هدف جمع آوری یک میلیون دلار را در دستور کار خود قرار بدهد. در جلسه پلنوم ۲۹ نفر از کارهای شرکت کننده در پلنوم تعهد کردند که بعنوان اولین قدم این کمپین هر یک ۵ هزار دلار بپردازند. حزب بزودی این کمپین را در یک سطح علنی و وسیع آغاز خواهد کرد.

در دستور تحولات جنبش کارگری طرح قطعنامه پیشنهادی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و از آنجا که تغییرات و اصلاحات متعددی از سوی نمایندگان پیشنهاد شد پلنوم بررسی و تصویب سند را به دفتر سیاسی سپرد.

در مبحث قرارها پلنوم قرارهای مبنی بر قدردانی از ارگانها و رفقای حزبی بخاطر نقشی که در مبارزات کارگران واحد ایفا کردند تصویب نمود. قرار دیگری نیز در رابطه با تکمیل طرح آرایش رهبری حزب تصویب شد. هر دو این قرارها به اتفاق آرا تصویب شدند. چند قرار دیگر نیز به پلنوم پیشنهاد شده بود که بررسی و تصویب آنها بخاطر ضیق وقت به دفتر سیاسی سپرده شد.

آخرین دستور پلنوم انتخاب

دبیر کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی بود. پلنوم حمید تقوایی را به اتفاق آرا به دبیری کمیته مرکزی انتخاب کرد. در انتخابات برای اعضای دفتر سیاسی، پلنوم ابتدا تعداد ۱۹ نفر اعضای دفتر سیاسی را که در پلنوم گذشته تصویب شده بود تایید کرد. و سپس این رفاقا به دفتر سیاسی انتخاب شدند: محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، علی جوادی، شهلا دانشفر، سیاوش دانشور، نسرین رضانعلی، بهرام سروش، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، آذر ماجدی، سیاوش مدرسی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه.

در اولین نشست دفتر سیاسی که بلافاصله بدنبال پلنوم برگزار شد رفاقا آذر ماجدی و مینا احدی کاندید رئیس دفتر سیاسی شدند و مینا احدی به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.

پلنوم ۲۵ نمایش غرورانگیزی از شور و شوق و عزم و اتحاد بود. پلنوم، بویژه در مباحث سیاسی در مورد وضعیت خطیر جاری و وظایف تاریخی حزب در این دوره و هم چنین در بحث کمپین مالی، بروشنی عزم و اراده و آمادگی حزب برای انجام وظایف خطیری که در این دوره در پیش رو دارد را به نمایش گذاشت.

کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ فروردین ۱۳۵۸، ۲۰ آوریل ۲۰۰۶

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانیید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariussh safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانیید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

کمکهای مالی به حزب

نروژ

علي نعمتی ۵۰۰ کرون
جمع آوری شده توسط واحد نروژ ۱۰۰۰ کرون

اسپانسرهای ماهانه از نروژ

ناصر احمدی ۳۰۰ کرون
رویوا و منوچهر ۲۰۰ کرون
صابر رحیمی ۳۰۰ کرون

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

Tel: 0044-779-1130-707

دفتر مرکزی حزب

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

جهان به تغییری بنیادی نیاز دارد زنده باد اول مه

اول ماه مه روز نمایش عزم استوار طبقه کارگر جهانی برای رهایی بشر از بندگی سرمایه و پایان بخشیدن به فقر و فلاکت سرمایه داری است. مارش جهانی کارگران در اول ماه مه، نماد اعتراض و مقاومت جهانی طبقه کارگر در برابر جهانی است که نظم و مناسبات حاکم بر آن در تضاد آشکار با منافع بشریت قرار دارد. این نظامی است که در آن پیشرفتهای عظیم بشر در تولید و بارآوری کار بجای آنکه به خوشبختی انسانها بیانجامد به محرومیت اجتماعی بیشتر خود آنها منجر می شود. این نظامی است که "رشد و توسعه" اقتصادی اش با بیکاری و محرومیت کارگران و جوانان همراه است. این نظامی است که انحصار اقلیتی ناچیز بر وسایل کار و تولید، بشر را از ثمر و قدرت معجزه آفرین کار خود محروم می کند. این نظامی است که رمز بقای خود را در تعرض به حقوق پیران، بیماران و امکانات رفاهی کودکان می داند. این نظامی است که علیرغم پیشرفت شگرف علم و دانش، به اشاعه جهل و باورهای خرافه آمیز مذهبی مبادرت می کند چرا که خرافه و دستگاه مذهب به طول عمرش می افزاید. این نظامی است که مدافعینش برای تداوم سروری و آقایی خود بر جهان، بیمی ندارند که با راه انداختن جنگ شیرازه جوامع انسانی را از هم بگسلند.

مارش عظیم کارگران در اول ماه مه نوید دهنده تغییر و برپایی یک دنیای دیگر است. دنیایی که در آن غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و وسایل برآورده کردن نیازهای بشری در همه نقاط به رایگان در اختیار همه است. جهانی که امکانات کار و تولید اجتماعی در مالکیت مشترک همه است و همه شهروندان در دسترسی به امکانات کار و فعالیت اجتماعی و بهره مندی از ثمره آن برابرند. جهانی که در آن از استعمار، ستم، جنگ و سرکوب و تفرقه قومی و مذهبی خبری نیست. جهانی که آزادی و احترام بشر حکم اول جامعه است و تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل آزاد دیگران است.

کارگران نیروی متحقق کننده چنین دنیایی هستند. اول مه روز رژه جهانی کارگران برای به خط کردن و نمایش این نیروی عظیم و رهاییبخش است. رژه ای که امسال بدنبال اعتراضات و اعتصابات موفقیت آمیز کارگری در فرانسه و دیگر نقاط دنیا وحشتی به مراتب بیشتر برای سرمایه داری در برخواهد داشت. جدال کارگران نه تنها باید مقابله با تعرضات سرمایه داری به حقوق کارگران و شهروندان را در دستور داشته باشد بلکه باید سرنوشت بشر و چند و چون جهان بشری را در دستور کار خود بگذارد. اینک جهان پس از افغانستان و عراق در خطر بروز یک جنگ خانمان برانداز دیگر قرار دارد. سیاست قلدرمنشانه آمریکا که پس از پایان جنگ سرد در پی ایفای نقش ژاندارمی جهان بوده است، خاورمیانه و جهان را با تهدید جنگی دیگر روبرو ساخته است. بهانه اینبار تولید سلاح هسته ای از سوی جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران، سوی دیگر این کشمکش مخاطره آمیز را

زنده یاد اول ماه مه!
زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر!
زنده باد سوسیالیسم!

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

به استقبال اول ماه مه برویم
جشن اول مه را هر چه
گسترده تر بگذار کنیم!

سخنرانی، شام، موزیک و رقص

سخنرانان:

حمید تقوایی - لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

جان کلارک - لیدر سازمان ائتلاف بر علیه فقر

دیوید بلیکلی - به نمایندگی از اتحادیه

کارگران پست کانادا

زمان: شنبه ۲۹ آوریل ساعت ۷ شب

مکان: 58 Cecil St.

(Spadina & Cecil St., South of College St)

ورودی: \$۵



دنیای بهتر

برنامه

حزب کمونیست کارگری را

بخوانید

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۵ بعد از ظهر بوقت تورنتو

حجم مطلب: ۱ صفحه و نیم ۴۲، فونت ۱۴، فاصله نرمال (word)

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در

شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.